...ازدواج را در سریال‌های ایرانی بررسی کردیم

...ردان، بله!

...واج ترغیب
...ارم که چرا
...نشده، باید
...سانی که کار
...ی‌پردازیم و
...د، مشکلاتی
...وجود دارد،

...ه ماجراهای
...را مضمونی
...ند، از میل و
...سان گفته و
...ان به دلیل
...هم چشمی
...والدین ما
...ی‌کردند و
...دگی گرم و
...باعث شده
...ود. الان
...باردی

اجاره هم هست. این نقد نسبت به شرایط اقتصادی و اجتماعی وجود دارد و ما به آن می‌پردازیم که چه شده جوانان کمتر تن به ازدواج می‌دهند اما این دلیل نمی‌شود فراموش کنیم می‌شود خیلی راحت‌تر از این ازدواج کرد. پس در کنار تشویق، باید مسأله تخصیص امکانات هم مطرح شود. معمولا در سریال‌ها این موضوعات به تصویر کشیده شده است. مثلا در مجموعه بچه مهندس به این مسأله پرداختیم و ازدواج آسان را مطرح کردیم.

در میان آثار خارجی هم این مسأله به‌عنوان مضمون اصلی یا خرده‌داستان‌هایی در قصه خودنمایی می‌کند. وارسته با اشاره به این نکته توضیح داده بود: پرداختن به این سوژه چیز عجیبی نیست. در اکثر آثار دنیا همین اتفاق می‌افتد. مثلا فیلم درباره حمله فضایی‌ها به زمین است. زن و شوهری که از همدیگر جدا شده‌اند شخصیت‌های اصلی قرار می‌گیرند و این حادثه آنها را به هم نزدیک می‌کند و ازدواجی که به شکست منجر شده دوباره به سرانجام می‌رسد. از این دست ماجراها را در فیلم پارک ژوراسیک و... دیده‌ایم. دلیل ندارد در این آثار حتما عروسی و... به تصویر کشیده شود؛ درواقع منظورم این است که رابطه عاطفی را نشان می‌دهند. در بیشتر آثار دنیا مضمون خانواده و رسیدن به ازدواج به نوعی مطرح می‌شود. در خارج از کشور هم همه به بحث خانواده رجوع می‌کنند ولی اینجا برخی خرده می‌گیرند چرا در همه سریال‌ها سراغ این موضوع می‌رویم؟ من نمی‌دانم چرا فقط خودمان را می‌بینیم. همین الان می‌توانم فیلم‌های خارجی را مثال بزنم که اتفاقا این مضمون را با روایتی نه‌چندان باورپذیر به مخاطبان ارائه کردند به‌عنوان مثال در اردوگاه اسرا هنگام جنگ جهانی دوم، دو نفر خاطرخواه همدیگر می‌شوند، آن موقع مخاطب نمی‌پرسد این اتفاق در آن شرایط دور از ذهن است یا مرد قصه شرایط تشکیل خانواده ندارد؟! خاطرم هست وقتی در «بچه‌مهندس۲» جواد جوادی و مژگان را نشان دادیم که ۱۶سالگی در پارک با حضور مادرخوانده مژگان با هم حرف می‌زنند، همه خرده گرفتند چرا دارید چنین چیزی را ترویج می‌کنید؟ اما بدتر از این را در فیلم‌های تین‌ایجری خارج از کشور نشان می‌دهند و همه می‌گویند به‌به! تا جایی که عرف و شرع ما اجازه دهد به تصویر واقعی از روابط جوانان امروزی نزدیک می‌شویم. من با قرائت‌های تازه‌ای که برخی از دین دارند، کاری ندارم اما به‌عنوان آدمی که آگاهانه درباره دینش صحبت می‌کند، می‌توانم بگویم دین ما بسیار مدرن است و این موضوعات در آن پیش‌بینی شده است.

در بیشتر آثار دنیا مضمون خانواده و رسیدن به ازدواج به نوعی مطرح می‌شود. در خارج از کشور هم همه به بحث خانواده رجوع می‌کنند ولی اینجا برخی خرده می‌گیرند چرا در همه سریال‌ها سراغ این موضوع می‌رویم؟

همه مجردان روستا

اهالی روستا در فصل چهارم سریال نون خ به فکر بالا رفتن سن ازدواج و عدم جوانی سن روستاییان افتاده بودند. در ادامه این تفکر دیدیم که در فصل پنجم بسیاری از مجردان روستا ازدواج کردند و تعدادی دیگر نیز به فکر تشکیل خانواده افتادند. بالاخره سلمان که دل در گرو شیرین داشت به عشق دیرینه‌اش رسید و در فصل پنجم به تازگی عروسی کرده بودند و راهی ماه عسل شدند که بسیار پرماجرا بود. افشین نیز به دامادی عمو کاووس درآمده و با ماه‌کاووس ازدواج کرده بود.

به این ترتیب می‌توان نون‌خ را نیز جزو سریال‌هایی به‌حساب آورد که در بیشتر فصول خود در بخشی از قصه، ماجراهای ازدواجی دارد.

هفت‌خان عباس‌آقا

سریال «روزگار جوانی» را یادتان هست؟ همان که عیوضی در تیتراژش می‌خواند: «مثل یک رنگین‌کمون هفت‌رنگ/ سرنوشت زندگی‌مون رنگ‌رنگ». در قصه سریال، حمیدرضا عاشق دل‌خسته جیران بود. درنهایت هم با ممارست و ثابت‌کردن خودش به عباس‌آقا، پدر سختگیر جیران‌خانم به خواست دلش رسید. در این سریال که هربار ماجرایی را به تصویر می‌کشید یکی از گره‌های ثابت، ماجرای خواستگاری حمیدرضا از جیران، دختر صاحبخانه بود که در پایان سریال به ازدواج ختم شد و انگار آب‌خنک از گلوی همه‌مان پایین رفت. بعد از آن دیگر از عباس‌آقا با بازی بیوک میرزایی نترسیدیم و گویی حمیدرضا با نقش‌آفرینی نصرا... رادش هم اعتمادبه‌نفس بیشتری گرفت.

خواستگاران به صف

سریالی سال‌ها پیش، ظهرها روی آنتن شبکه یک سیما رفت که «خواستگاران» نام داشت. این سریال در هر قسمت ماجرای یک خواستگاری را به تصویر می‌کشید. خواستگاری که سرنوشتی متفاوت داشت. این سریال در قسمت‌هایی که مدت‌زمان کوتاهی داشت با قصه‌هایی متنوع و البته مضمون‌های ایرانی سعی داشت فضای بومی از فرهنگ کشور را به تصویر بکشد.

خواستگاری در شمس‌العماره

یکی از سریال‌های تلویزیونی که اساس قصه آن برپایه ازدواج بنا نهاده شده بود، سریال «شمس‌العماره» به کارگردانی سامان مقدم بود. در این سریال دختری بنا بر وصیت پدرش باید با شخصی مناسب از میان خواستگارانش ازدواج می‌کرد تا صاحب شمس‌العماره شود. با ورود و خروج خواستگاران به عمارت، ماجراهایی برای اهالی این خانه به وجود می‌آمد که قصه‌های سریال را جلو می‌برد. در این میان بحث‌هایی درباره معیارهای دختر برای ازدواج مطرح می‌شد. در نهایت او مرد رویاهای خود را از میان خواستگاران پیدا کرد.

رخنه به قلب‌ها

از مرور آثار پیشین که بگذریم در سریال «رخنه» که این شب‌ها از شبکه یک سیما پخش می‌شود، علاوه بر خط اصلی قصه، ماجرای ازدواج چند جوان نیز مطرح است. دو نفر از افراد شاغل در صنعت موشکی و همچنین فرزندان ناصر (دانشمند موشکی) و عباس (نیروی امنیتی) که فامیل نیز هستند.

البته این ماجراها فقط جنبه زنگ‌تفریح در فیلمنامه سنگین و پرتلاطم رخنه را ندارند، بلکه در بافت قصه تنیده شده و با منطق روایی همراه است، زیرا هرکدام به‌دلیلی در جایی از این روایت استفاده می‌شود. در این میان همچنین دغدغه‌های روز مانند مخالفت والدین برای ارتباط جوانان با یکدیگر، سنخیت فرهنگی خانواده‌ها و... نیز مطرح است.



فیلم

مرثیه‌ای برای آخرین مجرد

یکی از تله‌فیلم‌هایی که با موضوع ازدواج و با نگاه کمدی به این مقوله بارها از تلویزیون پخش شده، «آخرین مجرد» است. تله‌فیلمی که نسبت به آثار مشابه خود در بیان قصه و بازی‌ها یک سر و گردن بالاتر است و همچنان می‌تواند سرگرم‌کننده باشد. فیلم درباره «ولی»، جوانی است که بارها به خواستگاری رفته اما نتوانسته ازدواج کند. او اتفاقی با اتومبیل خانم جوانی تصادف می‌کند و درگیر ماجراهای پیچیده‌ای می‌شود که درنهایت وی را به ازدواج می‌رساند. در این فیلم تلویزیونی به کارگردانی محمدرضا فاضلی که در سال ۱۳۸۸ ساخته شده است بازیگرانی همچون مجید صالحی، زیبا بروفه، حمید لولایی، علی صالحی، هایده حائری، مهران رجبی، مریم امیرجلالی، امیر نوری، افسر اسدی و... ایفای نقش کردند.